روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

دوشنبه ۲۶ دی ۱۴۰۱_ ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۴_ ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳- شماره ۲۱۰۶ _ سال هفتم

۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۱۴

t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیاز , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: فضل‌الله یاری

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد۳

تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ _ ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

داستانک

باید بیرون بروم

فیض شریفی
داستان‌نویس

همیشه دیر می‌رسم، همیشه چایی سرد می‌شود وقتی به تو می‌اندیشم، همیشه وقتی به کلاس می‌رسم کسی نیست، دانشجویانم رفته‌اند در کلاس خالی دیگر و مرا سرکار گذاشته‌اند و من سرم را روی میز می‌گذارم و زیر چشمی به کلاس نگاه می‌کنم؛ همه نشسته‌اند. یکی داستان می‌خواند «نان و شراب»، دیگری هوگو، «بینوایان»، همه وقتی قهرمان اصلی می‌میرد گریه می‌کنند و من وقتی ضد قهرمان خودش را در آب می‌اندازد بغض می‌کنم. همیشه زود کلاس داستان تمام می‌شود، وقت کم می‌آورم و بچه‌ها می‌گویند: «ما زنگ تفریح بیرون نمی‌رویم، ادامه بدهید.» «نمازخانه کوچک من» گلشیری را می‌خوانم، وقتی تمام می‌شود باز گریه‌ام می‌گیرد: «یکی هست که مرا عریان عریان دیده است و این، خیلی غم انگیز است، یکی هست که توی کمد است، زیر پوست شب است وقتی می‌روی بیرون در تاریکی پشت سرت می‌آید، وقتی، سیگارت را زیر لب می‌بری، روشن می‌کند، یکی هست با چشم‌های نمی‌دانم میشی، عسلی، سگی، هرچیز که تو را می‌گیرد ...»

کلاس را به حال خود می‌گذارم. دوچرخه را توی حیاط، کنار دفتر، رها می‌کنم از زنجیر، می‌گوید: مرا بر ترک بنشان، آنجا ببر مرا که عقابم نمی‌برد ... خنده‌ام می‌گیرد، دیگر پیر شده‌ام، وقتی برمی گردم خیابان سربالاست. دیگر نمی‌کشم چگونه می‌توانم کسی را بر ترکش بنشانم؟

می خندد: شما که قهرمان بودید، شما که هفت روز و هفت شب رکاب زدید تا زیر هر کجا چرا؟

- می‌پذیریم، شیرمستی‌هایم کار دستم داد، شیرجه زدم از آن بالا، شعر «ماهی‌خوار پیر» محمد زهری را که خوانده‌ای؟ «ماهی‌خوارهای جوان از بالا شیرجه می‌روند توی شط، او هم هوس می‌کند که از بالای پل آهنی خودش را امتحان کند ولی دیگر بالا نمی‌آید و طعمه ماهی ها و کوسه‌ها می‌شود.» نگاهم می‌کند وقتی به تمسخر می‌خندم و رکاب می‌زنم. پیش سوپری احمد پارک می‌کنم که یک بطری آب بخرم وقتی برمی‌گردم، دوچرخه نیست. وقتش رسیده بود که دیگر از رکاب زدن دست بردارم. فردا با تاکسی می‌روم، به بچه‌ها گفته ام «چون پیر شدی حافظ از میکده بیرون رو.» می‌خواهم برای خودم میخانه‌ای بسازم.

چهره

طلای محسن بهشتی در مسابقات یخ‌نوردی جهانی

محسن بهشتی، یخ‌نورد کشورمان در مسابقات جام جهانی کره جنوبی به مدال طلا و عنوان قهرمانی دست یافت. بهشتی در این مسابقه با مجموع زمان ۱۱.۵۳ برروی دو مسیر (مسیر یک ۵.۸۴ – مسیر دو ۵.۶۹) در مرحله نیمه‌نهایی بهترین رکورد ادوار جام‌های جهانی چونگ سونگ را به ثبت رساند. محسن بهشتی، محمدرضا صفدریان و شبنم اسدی که در رقابت‌های جام جهانی و همزمان قهرمانی آسیا در کره جنوبی با حریفان رقابت کردند، علاوه بر درخشش در مسابقات جهانی، موفق به کسب مدال‌های ارزشمند طلا، نقره و برنز آسیا نیز شدند. محسن بهشتی و محمدرضا صفدریان در ماده سرعت قهرمانی آسیا به ترتیب به مقام های اول و سوم آسیا و نشان‌های طلا و برنز دست یافتند و شبنم اسدی نیز در ماده سرعت موفق به کسب مقام دوم و نشان نقره شد.

حافظه تاریخی

روزی که محمدرضا پهلوی برای همیشه از ایران رفت

آخرینِ خروجِ آخرین شاه

در روز ۲۶دی ۱۳۵۷ محمدرضا پهلوی آخرین شاه ایران، تهران را به مقصد آسوان مصر ترک کرد؛ سفری بی‌بازگشت که خبر آن به سرعت در ایران و جهان پیچید و زیر عنوان «شاه رفت» تیتر درشت روزنامه‌های عصر تهران شد.

وی به همراه فرح دیبا همسر، سه فرزند از چهار فرزندش (ولیعهد از چندین ماه پیش در ایالات متحده آمریکا مشغول به تحصیل بود)، مادر همسرش و برخی از مقامات ارتش به فرودگاه رفت. صاحب‌منصبان ارشد ارتش، اعضای شورای سلطنت و شاپور بختیار نخست‌وزیر برای بدرقه شاه در فرودگاه حضور یافتند. سرانجام پس از مدت کوتاهی هواپیمای نیروی هوایی به پرواز درآمد و شاه در اولین مرحله از سفر بدون بازگشت خود وارد آسوان مصر شد.

شاه و همراهانش به هنگام ورود به مصر مورد استقبال رسمی و تشریفاتی انور سادات رئیس‌جمهور این کشور قرار گرفتند و سادات، میهمانان را به هتلی در یک جزیره مصنوعی در وسط رود نیل انتقال داد.

با اعلام خبر خروج شاه از رادیو تهران، جشن‌های عمومی سراسر کشور را فرا گرفت و مردم به خیابان‌ها ریختند. هزاران نفر در نقاط مختلف کشور اجتماع کرده و مجسمه‌های شاه را سرنگون کردند. رانندگان با روشن کردن چراغ اتومبیل‌های خود و مردم با پخش نقل و شیرینی خروج آخرین شاه ایران را جشن گرفتند. پس از خروج شاه از کشور مردم در کوتاه‌ترین زمان ممکن، از طریق سازماندهی مساجد برقراری امنیت در بیشتر نقاط تهران را به عهده گرفتند و عملاً ارتش از جریان امور امنیتی خارج شد.

در حالی که بختیار و وابستگان دربار تاکید داشتند که این سفری موقتی برای شاه خواهد بود اما انقلابیون گویی یقین داشتند که شاه دیگر هرگز به کشور باز نخواهد گشت. روزنامه کیهان روز بعد از فرار شاه، در گزارشی تفصیلی از جشن چهارمیلیون نفره مردم تهران به مناسبت این فرار خبر داد و روزنامه اطلاعات گزارش کرد: «بعد از شنیدن عزیمت شاه، همه اتومبیل‌ها، بدون استثنا، حتی کامیون‌های ارتشی و پلیس، چراغ‌های خود را روشن کردند و کاروان‌های شادی در خیابان‌های پایتخت به حرکت درآمد... مردم در بسیاری از میادین، مجسمه‌های شاه را پایین کشیدند، ازجمله درمیدان راه‌آهن،توپخانه، ۲۴اسفند، فلکه اول تهرانپارس، طی عظیم‌ترین تظاهرات، مجسمه‌های شاه پایین کشیده شد و در میدان مخبرالدوله نیز، مردم مجسمه‌ای را که به خاطر کودتای ۲۸مرداد نصب شده بود، پایین کشیدند. پهلوی دوم قبل از سوار شدن بر هواپیما که او را برای همیشه از ایران دور می‌کرد در مصاحبه‌ای کوتاه به خبرنگاران گفت: «مدتی است احساس خستگی می‌کنم و احتیاج به استراحت دارم. ضمنا گفته بودم پس از اینکه خیالم راحت شود و دولت مستقر گردد به مسافرت خواهم رفت. این سفر اکنون آغاز می‌شود و تهران را به سوی آسوان در مصر ترک می‌کنم. امروز با رأی مجلس شورای ملی که پس از رأی سنا داده شد، امیدوارم که دولت بتواند هم به جبران گذشته و هم پایه‌گذار آینده‌ای موفق شود.»

نقد ادبی

توهم دوگانه پنداری زن ایرانی در شعر

با عالمتاج چه کنیم؟

سید جواد میری
مدرس دانشگاه

اگر از مشهورات عبور کنیم و معلومات خویش را براساس مشهورات مفصل‌بندی نظری نکنیم و به مستندات رجوع کنیم تاریخ تحولات رشد و بسط زنانگی در ایران را یقیناً به‌گونه‌ای دیگری خوانش خواهیم کرد که اسیر دوگانه‌های کاذب نشویم. در حوزه مطالعات ادبی و نظری ادبیات گسترده‌ای در نیم قرن اخیر در باب «نشانه‌های دینی و حِکمی در افکار و اشعار فروغ» انجام شده است که بدون اتکا به آن‌ها نمی‌توان از فروغ سخن گفت و او را مظهر «زن هالیوودی»در ایران قالب کرد. یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه تراث حِکمی و عرفانی مفهوم«هبوط»است و فروغ از نادره شعرایی است که با نگاه تالیفی (سنتزگونه) خویش روایتی تازه از هبوط در اشعارش ارائه داده است. اما دلدادگی فروغ به مفاهیم دینی و حِکمی محدود به یک مفهوم یا عبارت نیست بل در جای جای اشعارش می‌توان بازخوانی او از تراث را -که در امتداد نقد پروین از معبد سالوس است- مشاهده کرد. به عنوان مثال، در شعر خدا، فروغ می‌گوید: «آه، گویی ز پس پنجره‌ها/بانگ آهسته‌ی پا می‌آید/ای خدا، اوست که آرام خموش به‌سوی خانه‌ی ما می‌آید.» یا در جای دیگر، ملهم از نقد پروین در باب «معبد سالوس»فروغ می‌گوید: «می‌توان یک عمر زانو زد با سری افکنده، در پای ضریحی سرد/می‌توان در گور مجهولی خدا را دید/ می‌توان با سکه‌ای ناچیز ایمان یافت/ می‌توان در حجره‌های مسجدی پوسید/ چون زیارتنامه‌خوانی پیر.» نمادهای دینی و مضامین حِکمی در اشعار و آرای فروغ صرفاً محدود به سنت اسلامی و شیعی نیست بل او حتی به سنن دینی دیگر هم ارجاع داده و به نوعی می‌توان او را «شیخه چند کتاب» دانست. برای نمونه، «کبوتر» بارها در کتاب مقدس انجیل لوقا آمده که بعد از تعمید عیسی، روح‌القدس به هیات کبوتری بر او نازل شد و ندایی از آسمان رسید که تو پسر حبیب من هستی که به تو خشنودم. فروغ هم از کبوتر و صداها می‌گوید و در انتظار بشارت است: «و هیچ‌کس نمی‌دانست که نام آن کبوتر غمگین کز دل‌ها گریخته، ایمان است.» یا همنشینی دو نشانه «صداها»و«انتظار بشارت»: «آه ای صدای زندانی/آیا شکوه یاس تو هرگز/از هیچ سوی این شب منفور نقبی به سوی نور نخواهد زد؟/آه ای صدای زندانی/ای آخرین صدای صداها...»یا نماد مهم دیگر دینی که در مجموعه تولدی دیگر«فتح باغ» است (که اشاره به چیدن سیب می‌کند که اشارتی است به گناه نخستین) که در بند دوم شعر آمده است: «همه می‌دانند که من و تو از آن روزنه‌ی سرد عبوس/باغ را دیدیم/و ازآن شاخه‌ی بازیگر دورازدست سیب را چیدیم...» و سرآخر به یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم (ایده منجی) که در سنت حِکمی شیعی وجود دارد اشاره کنیم و نسبت آن را با فروغ به نظاره بنشینیم.فروغ در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» تاملات خویش در باب منجی را به تصویر می‌کشد و می‌گوید: «کسی می‌آید/کسی می‌آید/ کسی که در دلش با ماست/در نفسش با ماست/در صدایش با ماست/کسی که آمدنش را نمی‌شود گرفت و دستبند زد/و به زندان انداخت.» حال چگونه می‌توان او را مظهر «امر جنسی» در تقابل با پروین برساخت؟ آیا اساساً ما باید زن ایرانی را در دوگانه «پروین-فروغ» ببینیم ولو اینکه می‌دانیم این دوگانه کاذب روی مشهورات بدون مستندات ابتنا یافته است؟ اگر به سه‌گانه عالمتاج و پروین و فروغ رجوع کنیم آن وقت تکلیف چیست؟ عالمتاج قائم‌مقامی بیست و چهار سال زودتر از پروین اعتصامی (یعنی سال ۱۲۶۲ شمسی) متولد شده است و در آثار و اشعارش ما هم نقد سنت می‌بینیم و هم نقد دین و هم نقد عرف و هم درکی از تجدد.به عبارت دیگر، دائماً با دوگانه‌ها روبه‌رو نیستیم و نباید هم امر واقع را ذیل دوگانه‌ها ترسیم کنیم بل به این آگاهی باید برسیم که امر اجتماعی وجوهِ متنوعی دارد. این سخن بدین معناست که نیاز نداریم بگوییم پروین نماد زن عفیف ایرانی و فروغ تجلی زن مدرن غیر اصیل است. عالمتاج هم درکی از عفت زنانه داشت و هم نقدهایی بر سنت ایرانی و عرف ایرانی و شریعت اسلامی (که مبتنی بر مولفه‌های معبد سالوس) صورت‌بندی شده بود و این بیداری نتیجه «باد مدرنیته» بود که از قضا اصالت هم داشت؛ زیرا به گفته عالمتاج این مدرنیته بود که به زنان در فرنگ سوژگی بخشیده بود و آن‌ها را متشکل کرده بود: «اجتماعی هست و نیرویی زنان را در فرنگ/در دیار ما هم ار زن جمع گردد فرد نیست.» در اینجا عدم سوژه‌وارگی زنان در جامعه ایران را در مقایسه با زنان مدرن (که هم تشکل دارند و هم فردیت) مورد نقد قرار می‌دهد و سپس ریشه این وضعیت را این‌گونه صورت‌بندی می‌کند: «قسمت ما زین مسلمانان ایمان ناشناس/غیر اشک گرم و آه سرد و روی زرد نیست/قید عفت، قید سنت، قید شرع و قید عرف/زینت پای زن است از بهر پای مرد نیست.» به زبان دیگر، با بررسی تاریخ تحول زنانگی در ایران درمی‌یابیم که دوگانه‌سازی توهمی بیش نیست و از قضا پیوندی عمیق بین پروین و فروغ و عالمتاج وجود دارد که ریشه در«سرکوب مذکر» دارد که خود برآمده از سنت تاریخی ماست که به واسطه «نسیم مدرنیته» امکانی را برای زن ایرانی ایجاد کرد که خود را از دست ساختارهای «ایمان ناشناس» که جز اشک و آه و روی زرد نصیب زن ایرانی نکرده بود رهایی بخشد.

میراث

معبد «آناهیتا» کنگاور؛ خانه‌ای سنگی برای آب

معبد آناهیتا بنای تاریخی در شهر کنگاور در استان کرمانشاه قرار دارد. شهرستان کنگاور به نحوی شهری در مرز استان کرمانشاه و همدان است که سر راه تاریخی هگمتانه تیسفون قرار گرفته‌است. این اثر در تاریخ ۲۴شهریور ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۳۱ به‌عنوان یکی از نخستین آثار ملی ایران در آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است. این بنا دومین بنای سنگی بزرگ کشور پس از تخت جمشید است. بنابر نوشته‌های تاریخی، این معبد که به عنوان آتشکده‌ای برای احترام و پاسداشت مقام الهه آب، آناهیتا مورد استفاده قرار می‌گرفت، پس از ظهور دین اسلام در کشور ایران دچار تغییرات بسیاری شد و همین امر ابهامات زیادی را در مورد تاریخچه، معماری و نوع استفاده از بنا به وجود آورد. اما با توجه به نوشته‌ها و مستندات تاریخی، قدمت این بنای تاریخی عظیم به سه دوره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان بازمی‌گردد. معبد آناهیتا یا مجموعه‌ی تاریخی کنگاور که به عنوان محل کنگیار قدیم خرابه‌های عهد اشکانی نام‌گذاری شده است، در نزد ایرانیان باستان، آناهیتا به عنوان نگهبان آب، فرشته فراوانی، زیبایی و باروری محسوب شده و از مقام و مرتبت بسیار بالایی برخوردار بوده است. قدمت معبد آناهیتا که برای ستایش و ارج نهادن به مقام الهه آب در ایران باستان مورد استفاده قرار می‌گرفت، با توجه به مستندات تاریخی به قرون قبل از میلاد بازمی‌گردد.پرستشگاه آناهیتا همچون بناهایی که بر بلندی ساخته شده‌اند برگرفته از شیوه سکوسازی (صُفه‌سازی) است که در دشت ایران باب بوده و در دوره‌های پسین نیز بناهای مهم پرستشگاهی و برخی بناهای حکومتی روی سکو بنا می‌شده‌اند.» فراز این اثر تاریخی ردیفی از ستون‌های سنگی بر پا بوده که بلندای هر ستون ۵۴,۲متر است. ورودی بنا به وسیله پلکان دو طرفه در جبهه جنوبی تعبیه شده و در جبهه شمال خاوری پلکان یک‌طرفه راه دسترسی به این مکان را ممکن ساخته‌است. معبد آناهیتا روی تپه‌ای با ارتفاع ۳۲متر ساخته شده است. نقشه بنای کنگاور به صورت یک چهارضلعی است که ابعاد هر ضلع این عمارت ۲۰۹متر در ۲۴۲متر برآورد شده است. به نظر می‌رسد سازندگان، دیوارها را با استفاده از لاشه‌های سنگ و ملات به ضخامتی برابر با ۱۸متر ساخته‌اند. البته ضلع شمالی این بنا از ضخامتی متفاوت نسبت به بقیه برخوردار است. جوی‌های سنگی آب رودخانه را میزان کرده و به طرز باشکوهی به آبگیری وسط معبد آناهیتا هدایت می‌شده است. نوع تقسیم آب و جریان آب درون معبد آناهیتا یکی از شگفتی‌های مهندسی در آن دوران است تا این عنصر مقدس را به زیباترین شکل ممکن به نمایش بگذارند.

در چهار طرف معبد آناهیتا دالان‌هایی تعبیه شده که در کف آن‌ها جوی‌های آب به صورت رفت و برگشت آب را به وسط معبد هدایت می‌کرده است. در دو طرف بالای معبد آناهیتا سر چهار گاو در هر طرف به صورت روبه‌روی یکدیگر قرار دارد که در زمان آبگیری این معبد عکس سر گاوها روی آب نقش می‌بسته است.در وسط معبد آناهیتا فضایی وجود دارد که آب از این جوی‌ها در آن جمع شده و استخر کوچکی حدودا در ابعاد ۱۰در ۱۰ و عمق ۲۰سانتی‌متر را پر آب می‌کرده است. معبد آناهیتا در کنگاور مشهورترین معبد منسوب به آناهیتا در ایران است. روی هر دیوار، ردیفی از ستون‌هایی با قطر زیاد قرار گرفته است؛ ارتفاع ستون‌های ساخته شده در این بنای عظیم تاریخی، سه برابر قطر آن‌ها است که یکی از نکات جالب و منحصربه‌فرد در طراحی و معماری معبد به شمار می‌آید و به یقین می‌توان ادعا کرد که هیچ یک از معابدی که در سراسر دنیا وجود دارند، از این ویژگی برخوردار نیستند. در ساخت این دیوارها، از سنگ و ملات گچ استفاده شده که سازندگان این بنا، به وسیله قطعه سنگ‌های تراشیده شده و به صورت خشکه چین، نمای بیرونی آن را تزئین کرده‌اند.

دریچه

گای بیلوت - فرانسه

جزئیات سعدی

پادشاه باید مردم متّهم ناپرهیزگار قرین و رفیق خود نگرداند که طبیعت ایشان در او اثر کند و اگر نکند از شنعت خالی نماند، و تأدیب دیگران که همان فعل دارد از وی درست نیاید.

مشق کلمات

جریان، ریزش: در اصطلاحات شیمی جریان به معنی حرکت الکترون‌ها در مسیر مشخصی مانند یک سیم که الکترون‌ها از آخرین ظرفیت جدا شده و در یک مسیر حرکت می‌کنند.

مجازستان

- خانمه پشت فرمون بود چراغ سبز شد نرفت، زرد شد نرفت، قرمز شد نرفت، افسره رفت بغلش گفت: خانم شرمنده ما همین سه رنگو داریم، پسندتون نشد؟(Aydin)
- مامانم داشت چت می‌کرد و لبخند می‌زد، وسطش گفت بیا ببین گوشیم چش شده پیامام نمی‌ره، رفتم گرفتمش داشتم فیلتر شکن‌شو دستکاری می‌کردم که دیدم از بابام پیام اومد: تو همه دنیای منی، خانومی قشنگم. هول شدم نمی‌دونستم چطور وانمود کنم که ندیدم، نمی‌دونستم ادما تو ۶۵سالگی هم حوصله‌ی چت عاشقانه دارن.(Panah)
- مامان بزرگم فوت کرد باید خبرشو به مامانم که رفته بود پیش خالهم می‌دادم. زنگ زدم به خالهم گفتم یه‌جوری به مامان بگو مامان بزرگ فوت شده که شوکه نشه. خالهم پشت تلفن بعد فریاد و گریه زاری سکته کرد. یادم نبود مامان اونم حساب می‌شه. یاد و خاطرشون گرامی. (رئوفیسم)
- خیلی از قصه‌های عاشقانه یا تراژیک دنیا با این اس‌ام‌اس نیمه‌شب شروع میشن؛ «بیداری؟»!(ماندنی)

فناوری

بیل گیتس: هوش مصنوعی واقعاً یک فناوری انقلابی است

«بیل گیتس» بنیان‌گذار مایکروسافت اخیراً درباره شماری از فناوری‌های جدید صحبت و آینده آن‌ها را پیش‌بینی کرده است. او می‌گوید هوش مصنوعی به‌واقع یک فناوری انقلابی است و نقشی شبیه به اینترنت در حوالی سال ۲۰۰۰ را دارد، اما web۳ و متاورس به آن اندازه که گفته می‌شود، فناوری‌های انقلابی و بزرگی نیستند. بیل گیتس اخیراً در یک جلسه پرسش‌وپاسخ در جواب به این سؤال که آیا درحال‌حاضر هم فناوری بزرگی مثل اینترنت در سال ۲۰۰۰ وجود دارد یا خیر، گفت: «هوش مصنوعی فناوری بزرگ [حال حاضر] است. فکر نمی‌کنم web۳ آن‌قدر بزرگ یا متاورس به‌تنهایی انقلابی باشد، اما هوش مصنوعی واقعاً یک فناوری بزرگ و انقلابی است. گیتس به سؤال بعدی یکی از کاربران درباره اینکه چرا به نظرش web۳ انقلابی نیست، پاسخ نداد. او صرفاً گفت هیجان زیادی برای هوش مصنوعی زایا دارد: «از نرخ پیشرفت‌های این هوش مصنوعی حیرت‌زده شده‌ام. فکر می‌کنم این فناوری تأثیر بزرگی بر جهان خواهد گذاشت.» بنیان‌گذار مایکروسافت در پاسخ به این سؤال که چه نظری درباره هوش مصنوعی ChatGPT دارد، نوشت: «این [چت‌بات] نیم‌نگاهی به آینده را برای ما فراهم کرده است. من از این شیوه عملکرد و سرعت نوآوری شگفت‌زده شده‌ام.» با این همه، گیتس اعلام کرد که تمرکز خود را روی امور دیگری گذاشته است. او گفت درحال کار روی فناوری‌های مثل سونوگرافی است که می‌توانند به زنان باردار کمک کنند تا درصورت نیاز به حضور در بیمارستان، این موضوع به اطلاع آن‌ها برسد. بیل گیتس در گذشته هم گفته بود که علاقه‌ای به حوزه رمزارزها ندارد. او در سال ۲۰۲۱ گفته بود کسانی که به‌اندازه ایلان ماسک پول ندارند، باید مراقب سرمایه‌گذاری در این حوزه باشند. هم‌مؤسس مایکروسافت باور داشت که این بازارها براساس نظریه «احمق بزرگ‌تر» پیش می‌روند. بااین‌حال، به‌نظر می‌رسد که دیدگاه او درباره متاورس خوش‌بینانه‌تر است، چرا که در سال ۲۰۲۱ جایگزینی تصاویر دوبعدی با سه‌بعدی در ملاقات‌های مجازی را پیش‌بینی کرده بود.

دستکشی که خط بریل را برای نابینایان می‌خواند

یک استارت‌آپ دستکشی ابداع کرده که کاراکترهای خط بریل را برای افراد نابینا با صدای بلند می‌خواند و در خوانش متون به آن‌ها کمک می‌کند. آموختن خواندن برای افراد نابینا کار سختی است زیرا آن‌ها راهی ندارند تا کلمات و نقطه‌هایی که با سرانگشت حس می‌کنند را ببینند. در همین راستا یک دستکش مخصوص نابینایان به نام« بریل ویر» ابداع شده که کلمات را به طور شفاهی برای آنها بیان می‌کند. دستکش مذکور مجهز به یک ماژول الکترونیکی است که بین شست و انگشت اشاره قرار دارد. این ماژول حاوی یک دوربین کوچک و چراغ ال.ای.دی است. نور چراغ روی نقاط خط بریل می‌تابد و سبب می‌شود هرکدام سایه‌ای فضای سفید اطراف خود به وجود بیاورند. الگوی مذکور که دارای تضاد زیادی است به راحتی با دوربین ثبت می شود و می‌توان با کمک یک نرم‌افزار مبتنی بر هوش مصنوعی آن را با کاراکتر بریل مورد نظر مرتبط کرد. از سوی دیگر یک صوت مصنوعی به وسیله بلندگویی پشت دستکش منتشر می‌شود و به کاراکتر بریل مذکور را برای کاربر می‌خواند. همزمان فرد متن بریل را لمس می کند.ایده اصلی آن است که کاربر به تدریج بتواند هر کاراکتر را با لمس ردیابی کند و دیگر نیازی به دستکش نداشته باشد. استارت آپ «اوراما آ. ای» این دستکش را ابداع کرده است. پیش‌بینی می‌شود این دستگاه تا پایان سال جاری میلادی با قیمت ۳۰۰دلار در بازار عرضه شود.